

بررسی واکنش‌های ارتباطی زنان قربانی بی‌وفایی

همسر: یک مطالعه کیفی^۱

محمدحسن آسایش^۲، کیومرث فرحبخش^۳، حسین سلیمی بجزستانی^۴، علی دلاور

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۰۵

هدف: هدف پژوهش حاضر، شناسایی واکنش‌های ارتباطی زنان قربانی بی‌وفایی همسر بود. روش: در این مطالعه از روش کیفی پدیدارشناسی استفاده شد. شرکت‌کنندگان را زنان قربانی بی‌وفایی همسر شهرستان شمیرانات در سال ۱۳۹۵ تشکیل می‌دادند. برای نمونه‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. نمونه‌گیری تا مرحله اشباع نظری ادامه داشت و نهایتاً تعداد ۱۸ زن قربانی بی‌وفایی همسر مورد مطالعه قرار گرفتند. گروه نمونه از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته مورد بررسی قرار گرفتند و جهت تحلیل یافته‌ها از روش تحلیل موضوعی (تماتیک) استفاده شد. یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها در خصوص واکنش‌ها و تجارب ارتباطی زنان قربانی بی‌وفایی، منجر به تولید ۲ تم یا مضمون اصلی، ۱۰ مضمون فرعی و ۲۹ مفهوم اولیه گردید. تم یا مضمون اصلی و زیر طبقات آن عبارت بود از «الف) گسستگی ارتباطی شامل مضامین فرعی: ۱- گسستگی رابطه مادر- فرزند، ۲- گسستگی رابطه پدر- فرزند، ۳- گسستگی رابطه زناشویی، ۴- گسستگی روابط خانوادگی، ۵- گسستگی روابط بین فردی، ۶- گسستگی رابطه با

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری مشاوره از نویسنده نخست در دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشد.

۲. نویسنده مسئول، دکترای تخصصی مشاوره، استادیار، گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: Asayesh@ut.ac.ir

۳. دکترای تخصصی مشاوره، دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۴. دکترای تخصصی روش‌های تحقیق و آمار، استاد، گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

خدا و ب) پیوستگی ارتباطی شامل مضامین فرعی: ۱- پیوستگی روابط همسری، ۲- بهبود رابطه مادر- فرزند، ۳- دریافت حمایت اجتماعی، و ۴- اعتلای رابطه با خدا». **نتیجه‌گیری:** پژوهش حاضر نشان داد که بی‌وفایی دارای آثار ارتباطی مشابه و بعضاً مختلفی است که توسط افراد قربانی تجربه می‌شود. همچنین برخی از واکنش‌های ارتباطی می‌تواند سازگارانه یا ناسازگارانه باشد. این امر بیانگر ادراک متفاوت زنان قربانی است که موجب ایجاد الگوهای متفاوتی از واکنش‌دهی ارتباطی به بی‌وفایی در آنها می‌شود. نتایج بر اساس نظریهٔ دلبستگی و نظریهٔ سازه‌های اجتماعی تفسیر و تبیین شد. **واژه‌های کلیدی** بی‌وفایی، واکنش‌های ارتباطی، زنان قربانی بی‌وفایی.

مقدمه

تحقیقات دلایل متعددی را برای تعارض‌های زناشویی و طلاق معرفی کرده‌اند؛ در این میان محققین بی‌وفایی^۱ را به عنوان یکی از عوامل و دلایل اساسی تعارضات زناشویی، آسیب‌های روانی و اقدام عملی زوج‌ها برای طلاق مطرح کرده‌اند (محسن زاده، نظری و عارفی، ۱۳۹۰؛ شاکلفورد^۲، ۲۰۰۸؛ اسنایدر، بوکوم و گوردون^۳، ۲۰۰۷). در یک نظرسنجی اکثریت قریب به اتفاق افراد متأهل اذعان داشتند که از همسر خود انتظار دارند تنها با یکدیگر و تنها در قالب ازدواج رابطه جنسی داشته باشند (تریزو و گیزن^۴، ۲۰۰۰)، با این حال، بی‌وفایی پدیده‌ای نسبتاً شایع است (مونش^۵، ۲۰۱۵). بی‌وفایی، عبور فرد از مرز رابطه زناشویی با برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی با فردی خارج از رابطه زناشویی است (دریگوتاس و بارتا^۶، ۲۰۰۱). برخی پیش‌بینی‌ها خاطر نشان می‌کنند که حدود ۴۰ درصد از افرادی که در آمریکا طلاق گرفته‌اند، در طول زندگی زناشویی حداقل یک بار مرتکب بی‌وفایی شده‌اند (اسنایدر، بوکام و گوردون، ۲۰۰۷).

در کشور ما آمار رسمی مشخصی در مورد بی‌وفایی وجود ندارد. در یک تحقیق بومی

1. infidelity
2. Shackelford, T. K., Besser, A., Goetz, A. T.
3. Snyder, D.K., Baucom, D.H. & Gordon, K.C.
4. Treas, J. & Giesen, D.
5. Munsch, C.J.
6. Drigotas, S. & Barta, W.

آمار بی‌وفایی در مردان در سنین ۲۶ تا ۳۵ سال ۴۲ درصد گزارش شد (فتحی، فکر آزاد، غفاری و بوالهروی، ۱۳۹۱) و در مورد زنان در گزارش کاوه (۱۳۸۷) آمار بی‌وفایی حدود ۱۳-۱۵ درصد بیان شده است. اگرچه این آمار را نمی‌توان به همه مناطق و شهرهای کشور تعمیم داد، اما آنچه بدیهی است این است که در تحقیقات متعدد هشدار داده شده است که آمار بی‌وفایی چه در ایران و چه در دیگر کشورها در سال‌های اخیر روند رو به رشدی داشته است (قرائی مقدم، ۱۳۹۲؛ گلدای^۱، ۲۰۱۳)؛ این رشد فراوانی زنگ خطری برای تمام جوامع و تهدیدی برای سلامت خانواده‌ها مخصوصاً در ایران به عنوان یک کشور فرهنگ بنیان و خانواده محور می‌باشد.

بی‌وفایی به عنوان یک رویداد استرس‌زا اثرات زیانباری بر کانون خانواده و اعضای آن دارد و بر جنبه‌های مختلف روان همسر قربانی، از جمله باورها و عواطف او تأثیر می‌گذارد و اغلب با آشفتگی ارتباطی همراه است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲؛ پلوسو^۲، ۲۰۰۷). اسپرینگ^۳ (۲۰۱۲) نیز اذعان داشته است، روابط خارج زناشویی می‌تواند آشفتگی‌های مهمی را برای افراد مرتکب آن و نیز همسران آنها به وجود آورد. این پدیده اثرات زیانباری بر کانون خانواده دارد و موجب تعارض‌های خانوادگی نیز می‌شود. فرد قربانی در اثر این حادثه دچار سردرگمی‌های اساسی درباره خود، دیگران و دنیا می‌شود و احساس می‌کند، هیچ‌گونه کنترلی بر خود و زندگی زناشویی خود ندارد، و خود را ضعیف و درمانده و همسر را غیر قابل اعتماد و غیر قابل پیش‌بینی می‌بیند و زندگی را لرزان و غیر قابل تحمل تلقی می‌کند (قهاری، ۱۳۹۵). برخی افراد پس از بی‌وفایی همسر تصمیم به طلاق می‌گیرند (آسایش، ۱۳۹۶) و طلاق آثار ناگواری همچون فرار از ازدواج مجدد و انزوای طلبی را در پی خواهد داشت (واعظی، ۱۳۹۷).

یکی از عوامل بسیار مهم در مسائل انسانی و واکنش به پدیده‌های اجتماعی نقش

1. Goldie, M.
2. Peluso, P. R.
3. Spring, J.I.

فرهنگ است (مونش، ۲۰۱۵). با بررسی فرهنگ‌های مختلف می‌توان دریافت که رابطه خارج زناشویی^۱ در هر فرهنگی می‌تواند معنای متفاوت و در نتیجه آثار متفاوت در حوزه‌های عاطفی، شناختی، معنوی، رفتاری، ارتباطی و روان-تنی داشته باشد (آسایش، ۱۳۹۶). تحقیقات نشان داده است که بی‌وفایی عوارض گوناگونی همچون تخریب سلامت روان و گسستگی عواطف و باورها را در پی دارد. در این زمینه آسایش، فرحبخش، سلیمی و دلاور (۱۳۹۶) در یک تحقیق کیفی نشان دادند که بی‌وفایی آثار عاطفی و هیجانی مختلف و بعضاً مشابهی در قربانیان دارد. در تحقیق ایشان تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به تولید ۲ مضمون اصلی، ۱۲ مضمون فرعی و ۶۱ مفهوم اولیه گردید. مضمون اصلی نخست «واکنش‌های عاطفی ناسازگارانه» بود که مضمون‌های فرعی احساس گسستگی از زندگی (احساس اندوه، احساس یأس و میل به مرگ)، احساس گسستگی از خود (احساس بی‌کفایتی و احساس رهاشدگی)، احساس خشم، احساس تنفر، احساس سنگ‌دلی و قساوت قلب، احساس آسیب‌پذیری، آشفتگی هیجانی، احساس ترس و اضطراب و احساس کرختی و سردی را در برمی‌گرفت. مضمون اصلی دوم، «واکنش‌های عاطفی سازگارانه» بود که از مضامین فرعی احساس ارزشمندی (احساس خودارزشمندی و احساس ارزشمندی همسر)، احساس ترحم (احساس ترحم به همسر و احساس ترحم به رقیب) و دلبستگی به همسر (میل و علاقه به همسر، احساس مالکیت بر همسر و عفو همسر) تشکیل شد. همچنین در تحقیق دیگر آسایش، فرحبخش، دلاور و سلیمی بجزستانی (۱۳۹۶) نشان دادند که افراد قربانی بی‌وفایی نیز واکنش‌های روان-تنی مشابه و متفاوتی به بی‌وفایی همسر نشان دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به تولید ۱۲ مقوله اصلی و ۳۹ مقوله فرعی گردید. مقوله‌های اصلی واکنش‌های روان-تنی عبارت بود از: ۱- اختلال در خواب و رؤیا، ۲- اختلال در خورد و خوراک، ۳- اختلال در عملکرد مغزی، ۴- بروز علائم جسمانی اضطراب و استرس،

1. extramarital relationship

۵- مشکلات فشار خون، ۶- اختلال هورمونی، ۷- علایم پیری زودرس، ۸- مشکلات معده، ۹- مشکلات تنفسی و ریوی، ۱۰- مشکلات چشمی، ۱۱- مشکلات قلبی و عروق، ۱۲- صدمات جسمانی مستقیم. علاوه بر این تحقیقات نشان داده است بی‌وفایی می‌تواند تأثیر معناداری بر روی روابط و همچنین طلاق در تمام فرهنگ‌ها داشته باشد (لامرز، استوکر جوردن، پولمن و استیپل^۱، ۲۰۱۱).

رفتارهای بی‌وفایی نشان دهنده تعهد درهم شکسته شده و انحصاری نبودن یک رابطه است و می‌تواند پیامدهای مخرب و آسیب‌رسانی برای زوج‌ها داشته باشد. همچنین می‌تواند برویژگی‌های عاطفی در روابط همچون اعتماد و صمیمیت عاطفی و جنسی تأثیر داشته باشد. در واقع خیانت زناشویی می‌تواند یک تروما برای یک رابطه باشد و اغلب می‌تواند زوج‌ها را برای جدایی، طلاق و یا دریافت خدمات مشاوره‌ای ترغیب و با انگیزه کند (فایف، ویکزو گامبسیا^۲، ۲۰۰۸؛ هرتلین^۳، ۲۰۱۱). تجربه بی‌وفایی همسر ممکن است روابط آینده را تحت تأثیر قرار دهد (هال و فینچام^۴، ۲۰۰۶)، بنابراین این پدیده پیامدهای ارتباطی بسیاری می‌تواند داشته باشد که شناخت این پیامدها در جهت مداخلات مؤثر می‌تواند کارگشا باشد.

از آنجا که در کشور ما تحقیق بومی مناسب که به کشف آثار و واکنش‌های بی‌وفایی پردازد نیافتیم و واکنش‌های ارتباطی بی‌وفایی هنوز به درستی شناسایی نشده است، در این تحقیق با توجه به اهمیت کیفیت روابط زوج‌ها و نقش آن در ثبات خانواده بر آن هستیم تا آثار و واکنش‌های ارتباطی قربانیان بی‌وفایی را از طریق یک روش کیفی بررسی نماییم. علاوه بر اهمیت و آثار بی‌وفایی، چند عامل بسیار مهم باعث شکل‌گیری تحقیق حاضر شد. اول اینکه به دلیل افزایش آمار بی‌وفایی و قربانیان آن، تمرکز بر تجربه‌های قربانیان آن قابل توجیه است. دوم اینکه بی‌وفایی اثرات زیانباری بر کانون خانواده دارد و

1. Lammers, J., Stoker, J.I., Jordan, J., Pollmann, M., and Stapel, D A.

2. Fife, S. T., Weeks, G. R., and Gambescia, N.

3. Hertlein, K.M.

4. all, J.H. and Fincham, F.D.

موجب تعارضات و گسستگی‌های خانوادگی و همچنین واکنش‌های روان‌شناختی آسیب‌زایی در قربانیان آن می‌شود. سوم این‌که بی‌وفایی می‌تواند به عنوان یک پدیده خاص فرهنگی دیده شود و وابسته به نوع فرهنگ آثار متفاوتی داشته باشد، چهارم اینکه در ایران بیشترین آمار بی‌وفایی متعلق به مردان و شهر تهران است و بیشترین قربانیان نیز زنان هستند، لذا مطالعه زنان قربانی قابل توجه است. پنجم اینکه پژوهش‌چندانی در حوزه بررسی کیفی آثار بی‌وفایی در ایران انجام نشده است و قابلیت تعمیم یافته‌های خارج از کشور به نمونه‌های داخلی با توجه به نقش فرهنگ با محدودیت روبرو است. ششم اینکه برای تهیه بسته‌های مداخله‌ای مناسب لازم است به بررسی عمیق تجربه قربانیان بی‌وفایی و نوع واکنش‌های ارتباطی آنها پرداخته شود. بنابراین هدف از این مطالعه شناسایی و تبیین واکنش‌ها و تجارب ارتباطی زنان قربانی بی‌وفایی همسر بود، و پژوهشگران در این پژوهش با انجام یک مطالعه کیفی و ورود به دنیای پدیدارشناسی زنان قربانی بی‌وفایی درصدد پاسخگویی به این مسئله بودند که «تجارب و واکنش‌های ارتباطی زنان قربانی بی‌وفایی همسر چگونه است؟».

روش

این پژوهش با رویکردی کیفی و با روش پدیدارشناسی انجام شد. این روش خود به دوروش عمده توصیفی و تفسیری تقسیم می‌شود. از آنجا که روش پدیدارشناسی تفسیری به دنبال شناخت الگوهایی در داده است که در چارچوبی نظری قرار می‌گیرند، لذا در این پژوهش نیز به منظور درک تجربه زیسته زنان قربانی بی‌وفایی همسر از رویکرد پدیدارشناسی تفسیری استفاده شد.

جامعه پژوهش حاضر را زنان قربانی بی‌وفایی همسر شهرستان شمیرانات استان تهران تشکیل دادند. پس از گرفتن مجوزهای لازم، دریافت معرفی‌نامه از سازمان بهزیستی شمیرانات و هماهنگی با مسئولان مراکز کاهش طلاق بخش شمیرانات، در مراکز مشاوره

مورد تأیید آنها از جمله مرکز مشاوره و شیرخوارگاه آمنه و کلینیک مددکاری ایران، نمونه مورد نظر از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ انتخاب شد. مراجعین از سوی مسئولین مراکز مشاوره مذکور شناسایی شده و پس از هماهنگی‌های لازم در مطالعه حاضر شرکت کردند. حجم نمونه تا اشباع نظری ادامه یافت و نهایتاً ۱۸ نفر انتخاب شدند.

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته^۲ محقق ساخته استفاده شد و محور اصلی سؤال‌های مصاحبه در راستای کشف واکنش‌های ارتباطی قربانیان بی‌وفایی بود. سؤالات اصلی مصاحبه براساس نظر چند متخصص در این زمینه توسط محققین ساخته و تهیه شد. قبل از جلسه مصاحبه، سؤالات مصاحبه به صورت حضوری به شرکت‌کنندگان اطلاع‌رسانی شد، تا آمادگی خود را برای شرکت در پژوهش اعلام نمایند. به شرکت‌کنندگان پژوهش گفته شد که علاقمند به شنیدن دیدگاه و تجربه آن‌ها از بی‌وفایی می‌باشیم. مصاحبه‌ها با این سؤال کلی که «بی‌وفایی همسر چه آثار ارتباطی روی شما داشته است» و «شما چه واکنش‌هایی در روابط خود تجربه کردید؟» آغاز می‌شد و براساس پاسخ‌های ارائه شده سؤالات بعدی هدایت می‌شد.

مصاحبه‌ها در اتاق روان‌شناس مرکز، که خلوت و دور از مزاحمت‌های محیطی بود، بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه متناسب با روایات، میزان تحمل و علاقه مشارکت‌کنندگان به طول انجامید. پس از انجام هر مصاحبه، به دقت مصاحبه روی کاغذ پیاده می‌شد و پس از بررسی در صورت نیاز سؤالات جدیدی اضافه می‌شد.

مراجعین با اطلاع از اهداف و داشتن حق خروج از پژوهش در این پژوهش مشارکت داشتند. پس از اطمینان دادن مراجعین از محرمانه بودن اطلاعات، اجازه ضبط مصاحبه‌ها از مشارکت‌کنندگان گرفته شد. لازم به ذکر است که برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها در گزارش تحقیق، از نام مستعار (شرکت‌کننده شماره ۱ و ۲ و...) برای شرکت‌کنندگان استفاده شد.

1. purposive sampling
2. semi-structured interview

برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از انجام مصاحبه از روش تحلیل موضوعی یا تماتیک^۱ که در پدیدارشناسی مرسوم است استفاده شد. تحلیل موضوعی عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیل دست می‌یابد. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی در داده است. تحلیل موضوعی تقریباً در همه روش‌های تحلیل داده‌های کیفی که به طبقه بندی، شاخص بندی و سنخ‌بندی داده‌ها اشاره دارد، بکار می‌رود. از تحلیل موضوعی، نسخه‌های متعددی وجود دارد. در این پژوهش از روش دیپوی و گیتلین^۲ (۱۹۹۳) که نسخه طبیعت‌گرا از تحلیل موضوعی را ارائه دادند، استفاده شد. این روش شامل دو مرحله است که مرحله اول شامل چهار زیر مرحله می‌باشد که می‌تواند به صورت همزمان هم صورت گیرد. این زیرمراحل عبارتند از: (۱) درگیری در تفکر قیاسی - استقرایی به طور همزمان، (۲) ساخت و تدوین مقوله‌ها: این مقوله‌ها از طریق فرآیند کدگذاری متعارف ساخته می‌شوند. در ابتدا مفاهیم اولیه و سپس مقوله‌های اساسی (کدبندی متمرکز) شکل می‌گیرند. (۳) گروه بندی مقوله‌ها در سطح بالاتر از انتزاع: مقوله‌ها را می‌توان مجدداً بر اساس منطق مقایسه‌ای و معنایی به سطح بالاتر از انتزاع ارتقا داد. (۴) کشف معنایی و تم‌های زیرین. مرحله دوم نسخه طبیعت‌گرای تحلیل موضوعی به آماده کردن گزارش تحقیق اختصاص دارد (زارعی، ۱۳۹۵) که در بخش بحث و نتیجه‌گیری به آن پرداخته شد.

به منظور صحت و اعتبار داده‌های پژوهش از چهار شاخص اعتبار گوبا و لینکلن^۳ (۱۹۸۹) استفاده شد برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها پس از تحلیل، هر مصاحبه دوباره به شرکت‌کننده بازگشت داده شد تا صحت و سقم مطالب تأیید و تغییرات لازم اعمال شد. جهت تضمین قابلیت تصدیق سعی بر آن بود که پژوهشگر پیش فرض‌های

1. thematic analysis

2. DePoy, E., Gitlin, L.N.

3. Guba, E.G., Lincoln, Y.S.

پیشین خود را تا حد امکان در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات دخالت ندهد. جهت تصدیق قابلیت اطمینان و کفایت، از راهنمایی و نظارت همکاران متخصص استفاده شد و متن مصاحبه جهت بررسی کد گذاری‌ها به اساتید و یک متخصص پژوهش کیفی داده شد. جهت افزایش قابلیت تعمیم و انتقال به موقعیت‌های دیگر، این تلاش صورت گرفت که برای شرکت در پژوهش تا حد امکان افراد با سطح اجتماعی- اقتصادی؛ معنوی و سنی متفاوت شرکت داده شدند.

نتایج

تعداد زنان قربانی بی‌وفایی شرکت کننده در این پژوهش ۱۸ نفر بودند و اطلاعات جمعیت شناختی آنها در جدول شماره ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی شرکت کنندگان

شماره شرکت کننده	سن	تحصیلات	شغل	مدت	تعداد
۱	۶۴	فوق دیپلم	معلم بازنشسته	ازدواج	فرزند
۲	۳۸	لیسانس	خانه دار	۱۰	۲
۳	۳۲	لیسانس	کارمند	۵	-
۴	۳۲	دیپلم	خانه دار	۱۳	۲
۵	۴۵	لیسانس	کارمند	۱۹	۲
۶	۲۷	فوق لیسانس	خانه دار	۷	-
۷	۵۰	دیپلم	خانه دار	۲۸	۲
۸	۳۶	لیسانس	خانه دار	۷	-
۹	۴۴	فوق لیسانس	کارمند بهزیستی	۳	-
۱۰	۳۴	لیسانس	منشی	۱	-
۱۱	۵۰	فوق دیپلم	معلم	۲۸	۲
۱۲	۲۵	فوق دیپلم	خانه دارد	۳	-

شماره شرکت‌کننده	سن	تحصیلات	شغل	مدت	تعداد
۱۳	۴۰	لیسانس	کارمند	ازدواج	فرزند
۱۴	۲۲	لیسانس	خانه دار	۱	-
۱۵	۲۴	فوق دیپلم	دانشجو	۳	-
۱۶	۴۹	لیسانس	فروشنده	۱۵	۲
۱۷	۳۵	دانشجوی دکتری	خانه دار	۳	-
۱۸	۴۰	دیپلم	آزاد	۱۹	۱

همانطور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، ۱۸ زن در بازه سنی ۲۲-۶۴ سال در پژوهش حاضر شرکت کردند. از بین ۱۸ نفر شرکت کننده، تعداد ۴ نفر (۲۲ درصد) در بازه سنی ۲۰-۲۹ سال، ۶ نفر (۳۳ درصد) در بازه سنی ۳۰-۳۹ سال، ۵ نفر (۲۸ درصد) در بازه سنی ۴۰-۴۹ سال و ۳ نفر (۱۷ درصد) در بازه سنی ۵۰ به بالا قرار داشتند، همچنین میانگین سنی شرکت کنندگان ۳۸٫۱۶ سال بود. در جدول شماره ۲ واکنش‌ها و تجارب ارتباطی زنان قربانی بی‌وفایی همسر ارائه شده است.

جدول شماره ۲. واکنش‌ها و تجارب ارتباطی زنان قربانی بی‌وفایی همسر

مضمین اصلی	مضمین فرعی	مفاهیم اولیه
گسستگی ارتباطی	گسستگی رابطه مادر- فرزندی	تندخویی با فرزندان
		بی‌احساسی نسبت به فرزندان
		بی‌حوصلگی با فرزندان
	گسستگی در رابطه پدر- فرزندی	بدرفتاری پدر با فرزندان
		کم توجهی و سردی پدر نسبت به فرزندان
		ترس فرزندان از پدر
		خشم و تنفر فرزندان از پدر
		تضعیف شدن رابطه عاطفی فرزند- پدر
	گسستگی رابطه زناشویی	کاهش روابط عاطفی با همسر
		کاهش روابط جنسی با همسر

مضمین اصلی	مضمین فرعی	مفاهیم اولیه	
	گسستگی روابط خانوادگی	تخریب روابط با خانواده شوهر	
		تخریب روابط همسر بی وفا با خانواده همسر	
		زخم خورده	
		تخریب رابطه با خانواده مبداء	
	گسستگی روابط بین فردی	کاهش کمیت در روابط بین فردی	
		کاهش کیفیت در روابط بین فردی	
	گسستگی رابطه با خدا	احساس ناامیدی و درماندگی از خدا	
		تضعیف اعتقادات	
		ارتداد و خروج از دین	
پیوستگی ارتباطی	پیوستگی روابط همسری	تلاش برای بهبود رابطه عاطفی با همسر	
		تلاش برای بهبود رابطه جنسی با همسر	
	بهبود رابطه مادر- فرزندی	حمایت فرزندان از مادر	
		نزدیک شدن مادر به فرزندان	
	دریافت حمایت اجتماعی	افزایش روابط اجتماعی	
		درد دل با یک همدم	
	پیوستگی ارتباطی با خدا		بهبود ارتباط با خانواده خود
			ادای نماز و مناجات با خدا
			دعا و طلب استمداد از خدا
			قرائت قرآن

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، تجزیه و تحلیل داده‌ها در خصوص واکنش‌ها و تجارب ارتباطی زنان قربانی بی‌وفایی، منجر به تولید ۲ تم یا مضمون اصلی، ۱۰ مضمون فرعی و ۲۹ مفهوم اولیه شد. پس از کدگذاری، ابتدا مفاهیم اولیه (۲۹ مفهوم) در قالب ۱۰ مضمون فرعی قرار گرفتند؛ نهایتاً این مضمون‌ها به ۲ مضمون اصلی در سطح بالاتر (الف- گسستگی ارتباطی و ب- پیوستگی ارتباطی) کدگذاری شد. در ادامه به

معرفی بیشتر مضامین اصلی پرداخته می‌شود.

الف) گسستگی ارتباطی

نتایج نشان داد که افراد واکنش‌های ارتباطی متفاوت و بعضاً مشابهی به بی‌وفایی همسر نشان دادند. از بین ۲۹ مفهوم اولیه استخراج شده از مصاحبه با زنان قربانی بی‌وفایی در مقوله واکنش‌ها و تجارب ارتباطی، ۱۶ مفهوم به بعد «گسستگی ارتباطی» تعلق گرفت که در ۶ مضمون فرعی طبقه بندی شد. مضامین فرعی این مقوله عبارت بود از: ۱- گسستگی رابطه مادر- فرزندی، ۲- گسستگی رابطه پدر- فرزندی، ۳- گسستگی رابطه زناشویی، ۴- گسستگی روابط خانوادگی، ۵- گسستگی روابط بین فردی، ۶- گسستگی رابطه با خدا که هر کدام از این مضامین فرعی از مفاهیم اولیه دیگری شکل گرفته است. در ادامه به معرفی بیشتر این یافته‌ها پرداخته می‌شود.

گسستگی رابطه مادر- فرزندی: برخی از زنان قربانی بی‌وفایی در روابط خود با فرزندان دچار مشکلاتی شدند و کیفیت رابطه آنها با فرزندان دستخوش تغییر قرار گرفت. این تغییرات یا به صورت تندخویی و یا بی‌حوصلگی خود را نشان داد. در این زمینه یکی از شرکت‌کنندگان اشاره می‌کند:

«روی رفتارم با فرزندانم اثراتی گذاشت. یک جاهایی من پرخاش می‌کنم. گیرمیدم که تو چرا تخم مرغ می‌خوری، گیر من رفته بالا» (شرکت‌کننده شماره ۱).

گسستگی رابطه پدر فرزندی: برخی از شرکت‌کنندگان اشاره داشتند روابط شوهرشان با فرزندان دچار اختلال شده است و در مواردی که فرزندان متوجه بی‌وفایی پدر شده بودند در برخی موارد رابطه آنها نیز با پدر تحت تأثیر قرار گرفته بود. این تغییرات به صورت بد رفتاری پدر با فرزندان، کم توجهی و سردی پدر نسبت به فرزندان، ترس فرزندان از پدر، خشم و تنفر فرزندان از پدر و سرد شدن رابطه عاطفی فرزندان با پدر بود. در این زمینه یکی از شرکت‌کنندگان اشاره می‌کند:

«رفتار همسر با بچه‌ها سرد شده، دائم سرش توی گوشیه. داره توی کوچه راه میره یا

توی ماشین می‌شین» (شرکت‌کننده شماره ۷)

گسستگی رابطه زناشویی: در همه شرکت‌کنندگان و قربانیان بی‌وفایی رابطه زناشویی متزلزل شده بود به طوری که تمام آنها برای خدمات مشاوره‌ای مراجعه کرده و یا ارجاع داده شده بودند. این تزلزل هم در قالب روابط عاطفی و هم روابط جنسی بروز کرد. در این زمینه یکی از شرکت‌کنندگان اشاره می‌کند:

«رابطه عاطفی و جنسی بین ما صفر شده. حتی اگر به خاطر مسائل جنسی هم بیاد سراغم مثل حیوان می‌بینم و حسی ندارم بهش، خوشم نمی‌آد و دوست ندارم. میگم بذار ۲۰ دقیقه حیوون باشیم البته حیوون صفت داره و می‌فهمه اما او...» (شرکت‌کننده شماره ۱۸)

گسستگی روابط خانوادگی: برخی از قربانیان بی‌وفایی که اطلاع بی‌وفایی در آنها به خانواده‌ها کشیده شده بود در روابط خود با خانواده خود و یا همسر دچار مشکل شده بودند، در برخی موارد رابطه همسر بی‌وفا نیز با خانواده همسر زخم خورده تحت تأثیر قرار گرفته بود. در این زمینه یکی از شرکت‌کنندگان اشاره می‌کند:

«خانوادش پشت او بودن و زن باباش بهم گفت خدا گفته و دین گفته مرد میتونه چند تا زن داشته باشه،... خانواده خودم را هم مقصر می‌دونستم، می‌گفتم اگر فلان کار را می‌کردید جذب می‌شد. به مامانم می‌گفتم چون مادر نداشت اگر بوسش می‌کردی جذب می‌شد. پدرم قبولش نداشت و تحقیرش کرده بود. همه را مقصر می‌دانستم و باهاشون دعوا می‌کردم» (شرکت‌کننده شماره ۹)

گسستگی روابط بین فردی: در برخی از قربانیان بی‌وفایی روابط بین فردی آنها و یا خانواده‌شان با دوستان یا اقوام دچار مشکل شده بود و این مشکل به صورت کاهش کیفیت ارتباطی و یا کاهش کمیت و میزان ارتباطات و انزوا طلبی خود را نشان داد. یکی از شرکت‌کنندگان در این زمینه اشاره می‌کند:

«عصبی شدم. فوق العاده عصبی هستم. اگر کسی بگه بالای چشمم ابروست پیش

قدم می‌شم برا دعوا» (شرکت کننده شماره ۱۲)

گسستگی رابطه با خدا: در برخی از قربانیان بی وفایی، رابطه با خدا دچار مشکل شده بود و این مشکل به صورت تغییر در باورهای دینی و یا کاهل شدن در واجبات دینی خود را نشان داد. یکی از شرکت کنندگان در این زمینه اشاره می‌کند:

«از خدا و همه چیزدم آمده است. می‌گویم من که همیشه نماز می‌خوندم. حلال و حرام نکردم. می‌گویم تو چرا بیدارم نکردی. من چه گناهی کردم به درگاہت؟» (شرکت کننده شماره ۵).

ب) پیوستگی ارتباطی

از بین ۲۹ مفهوم اولیه استخراج شده از مصاحبه با زنان قربانی بی وفایی در مقوله واکنش‌ها و تجارب ارتباطی، ۱۰ مفهوم به بعد «پیوستگی ارتباطی» تعلق گرفت. این واکنش‌ها بیشتر در جهت بهبودی حال خود و یا بهبودی رابطه با همسر شکل می‌گرفت. مضامین فرعی مقوله پیوستگی ارتباطی عبارت بود از: ۱- پیوستگی روابط همسری، ۲- بهبود رابطه مادر- فرزندی، ۳- دریافت حمایت اجتماعی، و ۴- اعتلای رابطه با خدا، که هر کدام از این مضامین فرعی از مفاهیم اولیه دیگری شکل گرفته است. در ادامه به معرفی بیشتر این یافته‌ها پرداخته می‌شود.

پیوستگی روابط همسری: برخی از زنان قربانی در واکنش جهت حفظ زندگی زناشویی خود برای بهبود رابطه عاطفی و جنسی با همسر تلاش می‌کردند. برخی از آنها برای رقابت با رقیب تلاش می‌کردند تا همسر خود را حفظ کنند و برخی برای جبرأت اشتباهات خود تلاش می‌کردند تا همسر خود را نگه دارند. یکی از شرکت کنندگان در این زمینه اشاره کرد.

«در روابط عاطفی من حوصله دعوا نداشتم و دعوا نمی‌کردم بیشتر باهاس صحبت می‌کردم تا جذبش کنم... خیلی به خودم می‌رسیدم و خرید می‌کردم»

(شرکت‌کننده شماره ۹)

بهبود رابطه مادر- فرزندی: برخی دیگر از شرکت‌کنندگان از طریق بهبود رابطه و ائتلاف با فرزندان تلاش می‌کردند تا احساس بهتری داشته باشند یا معنای زندگی خود را به سمت فرزندان ببرند. یکی از شرکت‌کنندگان در این زمینه اشاره می‌کند:

«دخترم فردا امتحان داره دست می‌کشد به پشت من می‌گه مامان خوبی؟ خوبی؟ می‌گم خوبم. می‌گه مامان غصه نخور. درستش می‌کنیم و به این فکر نکن، الان که داری میری پیش مشاور ولی آخرش را فکر کن که می‌گیم برو بیرون از خونه» (شرکت‌کننده شماره ۱)

دریافت حمایت اجتماعی: برخی از شرکت‌کنندگان در راستای تلاش برای بهبود حال خود تلاش می‌کردند تا روابط اجتماعی خود را گسترش دهند و از حالت انزوا در بیایند. برخی از آنها از طریق یافتن همدم و صحبت کردن با او به خود آرامش می‌دادند و برخی با دوستان خود ارتباط بیشتری برقرار کرده و با آنها صحبت می‌کردند. و یا روابط خود را با خانواده خود تقویت کردند. یکی از شرکت‌کنندگان در این زمینه اشاره می‌کند:

«ارتباطاتم رو با دوستانم دارم. موقعی که این اتفاق افتاد من از حالت منزوی خارج شدم و وارد جمع شدم» (شرکت‌کننده شماره ۲)

اعتلای رابطه با خدا: غالب شرکت‌کنندگان در راستای تلاش برای بهبود حال خود تلاش می‌کردند تا روابط معنوی خود با خدا را بهبود دهند. برخی از آنها از طریق نزدیک شدن و انجام فروضات دینی همچون نماز، مناجات و دعا و خواندن قرآن رابطه خود با خدا را تقویت کردند. یکی از شرکت‌کنندگان در این زمینه اشاره می‌کند:

«نماز که می‌خونم یک آرامشی حس می‌کنم. وسطش میشینم دعا می‌کنم، برا همه دعا می‌کنم و با خدا حرف می‌زنم» (شرکت‌کننده شماره ۱).

در ادامه به تبیین و بحث بیشتر در مورد یافته‌ها براساس یافته‌های پیشین و نظریه‌های موجود پرداخته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش‌ها نشان می‌دهد بی‌وفایی همسر اثرات بسیاری دارد و فرد قربانی بی‌وفایی در ابعاد مختلف عاطفی، شناختی، جسمانی در برابری بی‌وفایی واکنش نشان می‌دهند (پلوسو، ۲۰۰۷؛ قهاری، ۱۳۹۵؛ حبیبی عسگرآبادی و حاجی حیدری، ۱۳۹۴، آسایش، ۱۳۹۶؛ آسایش و همکاران، ۱۳۹۶). یکی از ابعاد آسیب بی‌وفایی در حوزه ارتباطی است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که زنان واکنش‌های ارتباطی متفاوت و در برخی موارد متشابه به بی‌وفایی همسر نشان می‌دهند. براساس بررسی‌های محققان عواملی چون کیفیت رابطه صمیمانه با همسر، سن، داشتن فرزند، کیفیت اعتقادات مذهبی فرد قربانی بر کیفیت فشار روانی تجربه شده و در نتیجه واکنش‌های ارتباطی آنان نقش مهمی داشت. تحلیل یافته‌ها منجر به تولید ۲ تم یا مضمون اصلی، ۱۰ مضمون فرعی و ۲۹ مفهوم اولیه گردید. که در ادامه به تبیین این یافته‌ها پرداخته می‌شود.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، یکی از آثار و واکنش‌های ارتباطی برخی از زنان قربانی بی‌وفایی، گسستگی ارتباطی و ایجاد روابط ناسازگارانه بود؛ به این معنا که برخی از قربانیان بی‌وفایی همسر تجارب مختلفی از روابط متشنج را در حوزه‌های مختلف ارتباطی گزارش کردند که این روابط در هم گسیخته در ابعاد مختلف همچون روابط والد-فرزندی، روابط با همسر، روابط با خانواده‌ها و رابطه با خدا بروز نموده است. این یافته‌ها به طور کلی با تحقیقات پیشین همسو می‌باشد ولی از آنجا که در تحقیقات گذشته به واکنش‌های ارتباطی در این سطح پرداخته نشده است، در ادامه به تبیین برخی از یافته‌ها براساس پیشینه پژوهشی و نظریه‌های مربوطه همچون نظریه دلبستگی و رویکرد هیجان مدار پرداخته می‌شود.

یکی از پیامدهای بی‌وفایی در قربانیان، ایجاد اختلال در رابطه مادر-فرزندی و یا پدر فرزند بود، که در برخی گزارش‌ها و تحقیقات نیز بدان اشاره شده است (استفان و اولاً،

۲۰۰۸؛ قهاری، ۱۳۹۵؛ اسپرینگ، ۲۰۱۲). استفان و اولاً (۲۰۰۸) اشاره کردند که افت عملکرد نقش والدینی از جمله پیامدهای بی‌وفایی همسر می‌باشد. طبیعی است که فشارهای روانی و گسستگی‌های عاطفی و شناختی حاصل از بی‌وفایی در مادر موجب عدم کنترل ذهنی و در نتیجه پرخاشگری و عدم تمرکز کافی در انجام امور زندگی از جمله فرزند پروری می‌شود. همچنین افشا شدن این رابطه نزد فرزندان و مشاهده اختلافات بین والدین موجب بروز اختلالات در فرزندان نیز می‌شود. یکی از اساسی‌ترین نیازهای کودکان احساس امنیت و مراقبت از سوی والدین است و از والدینشان انتظار دارند که برای آنها ایجاد کنند (لاسترمن^۱، ۱۹۹۸). رابطه نامشروع احساس امنیت و اعتماد کودک را نسبت به قابل پیش‌بینی بودن زندگیشان به هم می‌ریزد، تظاهرات این مسائل و مشکلات، نسبت به سن، تفاوت‌های رشدی، تفاوت‌های جنسیتی و فرهنگی ممکن است متفاوت باشد، اما در مجموع کودکان تجربه ناآرامی، سرخوردگی و آشفتگی می‌کنند و در این زمان‌ها ناامید می‌شوند (لاسترمن، ۱۹۹۸). رابطه نامشروع احساس امنیت و اعتماد کودک را نسبت به قابل پیش‌بینی بودن زندگیشان به هم می‌ریزد، بطوری که تجربه کودک در یک رابطه نامشروع می‌تواند موازی با تجربه والد خیانت دیده باشد (دان کمب و مارسون، ۲۰۰۴). از آنجا که بی‌وفایی بر روابط والد-فرزند و سلامت فرزندان نیز اثراتی می‌گذارد در درمان آثار بی‌وفایی لازم است به نقش فرزندان و آسیب وارده به زیرمنظومه والد-فرزند و فرزندان توجه ویژه نمود (سوری^۲، ۲۰۰۷).

یکی دیگر از پیامدهای ارتباطی بی‌وفایی گسستگی رابطه زناشویی بود. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که در غالب قربانیان بی‌وفایی، رابطه زناشویی متزلزل شده بود. این تزلزل هم در قالب روابط عاطفی و هم روابط جنسی بروز کرد. این نتایج با نتایج دیگر تحقیقات نیز همسومی باشد (فایف، ویکزو گامبسیا، ۲۰۰۷؛ هرتلین^۳، ۲۰۱۱). با توجه به

1. Lusteran, D. D.
2. Sori. C. F.
3. Hertlein, K. M.

نتایج برخی پژوهش‌ها (از جمله: شاکلفورد و همکاران، ۲۰۰۸؛ اشنایدر، باکوم و گاردن، ۲۰۰۷؛ نایت^۱، ۲۰۱۰؛ محسن زاده و همکاران، ۱۳۹۰؛ حییبی عسگرآبادی و حاجی حیدری، ۱۳۹۴)، خیانت از علل اصلی تعارضات زناشویی و طلاق محسوب می‌شود. رفتارهای بی‌وفایی نشان دهنده تعهد شکسته شده و می‌تواند پیامدهای مخرب و آسیب‌رسانی برای زوج‌ها داشته باشد. همچنین می‌تواند برویگی‌های عاطفی در روابط همچون اعتماد، صمیمیت عاطفی و جنسی و کیفیت ارتباط بین فردی داشته باشد (فایف، ویکزو و گامبسیا، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸؛ هرتلین، ۲۰۱۱).

فایف، ویکزو و گامبسیا (۲۰۰۷) اشاره می‌کنند در برخی موارد، خیانت هنگامی رخ می‌دهد که میان همسران اختلاف زیادی در میزان میل جنسی در رابطه زناشویی اصلی وجود دارد. در موارد مرتبط با خیانت، فرد ممکن است نسبت به همسر اصلی خود میل جنسی نداشته باشد، اما نسبت به افراد دیگر تمایل داشته باشد. که این به رابطه جنسی زناشویی آسیب وارد می‌کند. دو مشکل رابطه‌ای شایع و ناشی از بی‌وفایی عبارتند از احساس فقدان (از دست دادن مفهوم خود و یا احساس نداشتن کنترل) و خشم یا تنفر نسبت به همسر خود.

در بعد گسستگی عاطفی در روابط زناشویی چنین می‌توان تبیین نمود که وجود ترس‌های زیربنایی صمیمیت امری شایع در زوج‌های درگیر بی‌وفایی است (ویکزو و تریث^۲، ۲۰۰۱) و اعتقاد بر این است که بخش عمده‌ای از معضلات روابط زناشویی به نوعی با این ترس‌ها مرتبط هستند. آسیب حاصله از دل‌بستگی در ادبیات درمان هیجان مدار (EFT) چنین تعریف شده است: خدشه دار شدن حس اعتماد در نتیجه بی‌وفایی یا تنها گذاشتن همسر در موقع نیاز شدید یا آسیب‌پذیری زیاد. این آسیب مانند زخمی می‌ماند که تصورات حاکم از دل‌بستگی ضروری در یک رابطه را به هم بریزد. آسیب دل‌بستگی نمایانگر آسیب به رابطه است. هنگامی که همسر خاطی واکنش اطمینان

1. Knight, A.
2. Weeks, G. R., & Treat, S.

بخش یا آرام کننده‌ای از خود نشان نمی‌دهد یا هنگامی که همسر مورد خیانت واقع شده نمی‌تواند دیگر به وی اطمینان کند، صدمه پیچیده‌تری شود (جانسون و همکاران^۱، ۲۰۰۱).

در پی بروز خیانت یا آسیب دل‌بستگی، همسر خیانت دیده احتمالاً دچار خشم شدید، اندوه و ترس از دل‌بستگی مجدد می‌شود، چرا که هراتفاقی می‌تواند به این احساسات بیانجامد و ظاهراً راه‌گزینی وجود ندارد، دیگر نمی‌توان به همسر خائن اعتماد کرد (فایف، ویکزوگامبسیا، ۲۰۰۷)؛ و احتمالاً این موجب گسستگی عاطفی بین آن‌ها می‌شود. در واقع بی‌وفایی زناشویی می‌تواند یک تروما برای یک رابطه باشد و گسستگی روابط زناشویی اغلب می‌تواند زوج‌ها را برای جدایی، طلاق و یا دریافت خدمات مشاوره‌ای ترغیب و با انگیزه کند (هرتلین، ۲۰۱۱). بنابراین در این زمینه مداخلات در بعد عاطفی از جمله بعد صمیمیت و دل‌بستگی و ایجاد اعتماد و بخشش می‌تواند مؤثر باشد.

یکی دیگر از آثار و تجارب بی‌وفایی گسستگی روابط خانوادگی در زوج می‌باشد. برخی از قربانیان بی‌وفایی که فاش شدن رابطه بی‌وفایی در آنها به خانواده‌ها کشیده شده بود در روابط خود با خانواده خود و یا همسر دچار مشکل شده بودند. از طرفی رابطه همسر بی‌وفایی با خانواده همسر زخم خورده تحت تأثیر قرار گرفته بود. که این یافته با گزارش قهاری (۱۳۹۵) همسو می‌باشد. برخی از زوج‌های درگیر بی‌وفایی به دلیل نیاز به حمایت خانواده‌ها و یا تنبیه همسر بی‌وفا به افشاسازی موضوع نزد خانواده‌ها می‌پردازند که این افشاسازی در صورت هیجانی بودن و بدون ملاحظیات خاص آثار بسیار مخربی در روابط زناشویی و روابط خانوادگی در سطح گسترده ایجاد می‌کند که راه برگشت در زندگی زناشویی را به شدت با مشکل روبرو می‌کند. قهاری اشاره می‌کند در چند صورت افشا کردن بی‌وفایی نزد والدین ممکن است لازم باشد از جمله اینکه خطر مرگ یا

1. Johnson, S. M. et al.

احتمال خودکشی یکی از زوج‌ها وجود داشته باشد و یا مواقعی که همسر بی وفا می‌خواهد همسر خود را طلاق دهد و قرار نیست برای حل مشکل اقدامی بکند، در چنین مواقعی برای دریافت حمایت اجتماعی از خانواده لازم است از خانواده‌ها حمایت دریافت کرد.

یکی دیگر از پیامدها و تجارب ارتباطی ناشی از بی‌وفایی همسر، گسستگی روابط بین فردی در همسر قربانی می‌باشد. در برخی از قربانیان بی‌وفایی روابط بین فردی آنها با خانواده‌شان یا دوستان یا اقوام دچار مشکل شده بود و این مشکل به صورت کاهش کیفیت ارتباطی و یا کاهش کمیت ارتباطات و انزواطلبی خود را نشان داد. برای تبیین این یافته می‌توان به نقش گسستگی عواطف و هیجانات، تجربه هیجانات خشم، غم و ترس و احساس ناامیدی و ناکامی و افسردگی در قربانی اشاره کرد.

یکی دیگر از پیامدها و تجارب ارتباطی ناشی از بی‌وفایی همسر گسستگی رابطه با خدا بود، برخی از شرکت‌کنندگان از ایجاد اختلال در روابط با خدا گزارش دادند و اینکه باورهای دینی و اعتقادی آنها تضعیف شده است و حتی برخی نسبت به خدا ناامید و عصبانی بودند. برای تبیین این واکنش‌ها می‌توان از دیدگاه نظریه دلبستگی^۱ کمک گرفت. بر طبق نظریه دلبستگی هنگامی که یکی از همسران، حس اعتماد، حمایت و وفاداری نسبت به همسر را زیر پا می‌گذارد، واکنش طبیعی همسر قربانی، احساس تجربه درد و رنج فراوان است. این موضوع خود باعث آسیب‌پذیری بیشتر فرد، فقدان هویت، احترام شخصی و هدفمندی در زندگی می‌شود و در نتیجه الگوهای فعال درونی او به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و تغییر می‌کند (کیس^۲، ۲۰۰۵؛ جانسون^۳، ۲۰۰۵) درک او نسبت به خود و همسرش و حتی جهان و باورهای خود تغییر می‌کند (جانسون و همکاران؛ ۲۰۰۱). از بین رفتن حس اعتماد میان همسران، باعث نابودی دلبستگی‌های

1. attachment theory
2. Case, B.
3. Johnson, S. M.

ایمن شده و رابطه دو طرف متزلزل می‌شود؛ شوک و حس ناتوانی حاصله می‌تواند باعث بروز تفکرات هم‌گسیخته در مورد خود، همسر و محیط اطراف شود درماندگی حاصله به عنوان استاندارد جدید در الگوی فعال درونی ما تثبیت می‌شود. این نابودی دلبستگی ایمن می‌تواند به رابطه دلبستگی ایمن فرد به خداوند نیز جابجا شود. وقتی قربانی مشکلات زیادی را متحمل می‌شود و احساس و فکر می‌کند که خداوند جوابگوی او نیست، بنابراین پیوندهای دلبستگی به خدا نیز گسسته می‌شود و احساس گسستگی معنوی می‌کند.

علاوه بر واکنش‌های فوق یکی دیگر از یافته‌های پژوهش پیوستگی روابط همسری بود. برخی از زنان قربانی در واکنش جهت حفظ زندگی زناشویی خود برای بهبود رابطه عاطفی و جنسی با همسر تلاش می‌کردند. در تبیین این یافته می‌توان چنین گفت که در جامعه ایرانی واکنش‌ها به بی‌وفایی مردان و زنان متفاوت است، و خیانت زنان کم‌تر پذیرفتنی و میزان مجازات‌های رسمی و غیررسمی برای چنین انحرافات برای مردان کمتر از زنان است (احمدی، ۱۳۸۴؛ فتحی، فکرآزاد، غفاری و بوالهروی، ۱۳۹۱). که این می‌تواند در واکنش زن‌ها برای سازگاری با بی‌وفایی مردان مؤثر باشد. همچنین در تحقیقی بیشتر افراد قربانی، بیان می‌کردند که به خاطر فرزندشان، همسر خود را بارها بخشیده‌اند و وقتی تصمیم به طلاق گرفته بودند که علل دیگری مانند اعتیاد یا ترس از ابتلا به بیماری‌های مقاربتی، ادامه زندگی با همسر را برای آن‌ها غیرممکن کرده بود، و زنان با وجود خیانت همسر، تصمیم به جدایی نداشتند (حبیبی عسگرآبادی و حاجی حیدری، ۱۳۹۴). در تحقیق حاضر نیز زنانی که میل به بازسازی زندگی داشتند به دلایلی همچون ترس از تنهایی، ترس از طرد شدن از سوی خانواده، رقابت با رقیب و معشوقه و یا به دلیل آبروی خانوادگی و فرزندان حاضر به سازش و تلاش در جهت نگه داشتن همسر خود داشتند.

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق حاضر بهبود رابطه مادر-فرزندی، دریافت حمایت اجتماعی و اعتلای رابطه با خدا بود. برخی از شرکت‌کنندگان از طریق ائتلاف با فرزندان تلاش می‌کردند تا احساس بهتری داشته باشند و از حق به جانب بودن خود دفاع کنند، و

یا معنای زندگی خود را به سمت فرزندان ببرند. همچنین برخی از شرکت‌کنندگان در راستای تلاش برای بهبود حال خود تلاش می‌کردند تا روابط اجتماعی خود را گسترش دهند و از حالت انزوا در بیایند. برخی از آنها از طریق یافتن همدم و صحبت کردن با او به خود آرامش می‌دادند و همچنین غالب شرکت‌کنندگان در راستای تلاش برای بهبود حال خود تلاش می‌کردند تا روابط معنوی خود با خدا را بهبود دهند. برخی از آنها از طریق نزدیک شدن و انجام فروضات دینی همچون نماز، مناجات و دعا و خواندن قرآن رابطه خود با خدا را تقویت کردند. این موضوع در تحقیقات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در تبیین این یافته می‌توان به مفهوم دلبستگی اشاره کرد. بر طبق نظریه دلبستگی هنگامی که یکی از همسران، حس اعتماد، حمایت و وفاداری نسبت به همسر را زیر پا می‌گذارد، واکنش طبیعی همسر قربانی، احساس درد و رنج فراوان است. این موضوع خود باعث آسیب‌پذیری بیشتر فرد، فقدان هویت، احترام شخصی و هدفمندی در زندگی می‌شود و در نتیجه الگوهای فعال درونی او به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و تغییر می‌کند (کیس، ۲۰۰۵؛ جانسون، ۲۰۰۵) درک زن نسبت به خود و همسرش و حتی جهان و باورهای خود تغییر می‌کند (جانسون و همکاران؛ ۲۰۰۱). از بین رفتن حس اعتماد میان همسران، باعث نابودی دلبستگی‌های ایمن شده و رابطه دو طرف متزلزل می‌شود؛ شوک و حس ناتوانی حاصله می‌تواند باعث بروز تفکرات هم‌گسیخته در مورد خود، همسر و محیط اطراف شود درماندگی حاصله به عنوان استاندارد جدید در الگوی فعال درونی ما تثبیت می‌شود. این نابودی دلبستگی ایمن می‌تواند جابجا به رابطه دلبستگی ایمن فرد به فرزند، دیگران و یا خداوند نیز شود. بنابراین قربانیان برای حفظ احساس امنیت روانی خود و داشتن دلبستگی و حامی اجتماعی به ایجاد دلبستگی‌های جدید می‌پردازد.

پژوهش حاضر نشان داد که زنان واکنش‌های ارتباطی متفاوتی به بی‌وفایی همسر دارند. به نظر می‌رسد می‌توان بر اساس نظریه سازه‌نگر اجتماعی نیز به تبیین و توجیه این

یافته‌ها پرداخت. پیروان نظریه سازه‌گرایی اجتماعی و پست مدرنیسم منکر وجود جهانی عینی قابل فهم هستند. آن‌ها قبول ندارند که دانش بی طرف، فارغ از سوگیری، خنثی و مستقل وجود داشته باشد که «حقیقت» را منعکس کند (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۱، ۲۰۰۰؛ ترجمه حسین شاهی و همکاران، ۱۳۹۱) و آنچه وجود دارد فقط سازه ذهنی^۲ است (بلازسین و گولدموند، ۲۰۱۵^۳). رویکرد سازه‌نگر اجتماعی تأکید می‌کند که «ذهنیت و واقعیت به صورت فردی یا اجتماعی ساخته می‌شود، در نتیجه ما دیگر نمی‌توانیم ادعای به دست آوردن واقعیت را داشته باشیم و هریک از ما از طریق دیدگاه‌های خاص خود به پدیده‌ها نگاه می‌کنیم» (سامرز و فلنگان و سامرز و فلنگان^۴، ۲۰۱۲). از نظر سازه‌گرایان اجتماعی واقعیت‌ها به صورت اجتماعی ساخته می‌شوند و بر استفاده از زبان استوار هستند و عمدتاً حاصل موقعیت‌هایی است که افراد در آن زندگی می‌کنند (کوری، ۲۰۰۵؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۱) در نتیجه این باور، ما دیگر نمی‌توانیم ادعای به دست آوردن کامل واقعیت را داشته باشیم. هریک از ما از طریق دیدگاه‌های خاص خودمان یا گفتمان‌های اجتماعی ایجاد شده به پدیده‌ها نگاه می‌کنیم (سامرز و فلنگان و سامرز و فلنگان، ۲۰۱۲). لذا واقعیت‌های متعدد، کثرت‌گرایانه و اغلب تعارض‌آور، منعطف و با معنی می‌تواند وجود داشته باشد (اووکز، ولز، جونزو داتنوه^۵، ۱۹۹۷).

ارتباط فرض‌های نظریه سازه‌گرایی با پژوهش حاضر این است که درک هر زن از پدیده بی‌وفایی می‌تواند متفاوت باشد و این که ادراک آن‌ها ممکن است با کسب تجربه جدید تغییر نماید. برای نمونه، یک زن ممکن است پس از مطلع شدن از بی‌وفایی همسر واکنش‌های ارتباطی گسستگی همچون دوری و فاصله گرفتن از همسر و یا گسستگی رابطه با فرزندان از خود نشان دهد، اما وقتی زمان می‌گذرد و او در دامن تجارب جدید قرار

1. goldenberg

2. construction

3. Blazsin, H., Guldenmund, F.

4. Somers-Flanagan J, Somers-Flanagan R.

5. Oakes, J., Wells, A.S., Jones, M., Datnow, A.

می‌گیرد (برای مثال وقتی همسر خطاکار پس از بی‌وفایی به او بیشتر محبت می‌کند، از او حمایت می‌کند و به نیازهای او بیشتر توجه می‌کند و او خود نیز به نقش خود در بی‌وفایی و تلنگری که از وجود آسیب و مشکل در رابطه خبر می‌دهد، پی می‌برد)، ممکن است احساسات و نگرش‌های مثبتی را نسبت به همسر خود مجدداً پرورش دهد. بنابراین طبق نظریه سازه نگر اجتماعی، می‌توان چنین استدلال کرد که زنان قربانی بی‌وفایی، فقط واکنش دهنده منفعل نیستند و به طور فعال نسبت به این فرایندها درگیری و تعامل نشان می‌دهند.

در صورتی که زنان در زندگی زناشویی خود با بی‌مهری، عدم حمایت و تعهد همسر روبرو شوند و همچنین حمایت کمتری را از سوی خانواده‌ها و شبکه‌های اجتماعی دریافت نمایند، کاملاً منطقی است که تأثیر منفی بی‌وفایی می‌تواند گسترده و عمیق باشد و واکنش‌های منفی‌تری را از خود بروز دهند. اما اگر زنان موارد ذکر شده را تجربه نکنند یا این که به طور محدود تجربه کنند، تأثیر سوء بی‌وفایی می‌تواند محدودتر باشد. پژوهش حاضر از طریق مصاحبه با زنانی که بی‌وفایی همسر را در مدت کوتاهی تجربه کرده بودند، موجب شد تا پاسخگویان اطلاعات موثق‌تری را بر اساس فراخوانی دقیق‌تر تجارب خود و نیز تأثیرات تجربه شده بی‌وفایی در اختیار پژوهشگر قرار دهند. از آنجا که پژوهش حاضر بر مبنای رویکرد کیفی صورت گرفت، لذا شکاف موجود در پیشینه پژوهش را پر می‌کند.

محدودیت‌های پژوهش: از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، اتکای صرف به گزارش‌های زنان قربانی بی‌وفایی بود.

پیشنهاد‌های پژوهش: پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده جهت افزایش اعتبار یافته‌ها، داده‌ها از منابع دیگر (مردان قربانی بی‌وفایی، اطرافیان شاهد آثار بی‌وفایی بر همسر زخم خورده، معشوقه‌ای که با یکی از زوجها رابطه برقرار کرده است) نیز جمع‌آوری گردد.

تشکر و قدردانی

جا دارد از تمام مشارکت‌کنندگان مطالعه که انجام این پژوهش بدون همکاری آنها میسر نبود و همچنین، از سرپرست مرکز مشاوره و شیرخوارگاه آمنه که در شناسایی مراجعان قربانی بی‌وفایی ما را یاری دادند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

منابع

- آراین فر، ن.، اعتمادی، ع. (۱۳۹۵). مقایسه اثربخشی زوج درمانی یکپارچه نگر و هیجان مدار برصمیمیت زناشویی زوجین آسیب دیده از خیانت همسر. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*. ۱۵ (۵۹): ۷-۳۷.
- آسایش، م. ح.، فرحبخش، ک.، سلیمی بجستانی، ح. و دلاور، ع. (۱۳۹۶). تبیین تجارب و واکنش‌های عاطفی زنان قربانی بی‌وفایی همسر: یک مطالعه کیفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*. ۶ (۴): ۳۵۵-۳۷۲.
- آسایش، م. ح.، فرحبخش، ک.، دلاور، ع. و سلیمی بجستانی، ح. (۱۳۹۶). واکنش‌های روان-تنی و آثار جسمانی ناشی از بی‌وفایی در زنان قربانی بی‌وفایی همسر: یک مطالعه پدیدارشناسی. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد*. ۲۵ (۸): ۶۴۱-۶۵۷.
- آسایش، م. ح. (۱۳۹۶). *تدوین الگوی چند بعدی مشاوره پس‌آسیب و اثربخشی آن برانصراف از طلاق، رضایت زناشویی و سلامت روان زوج‌های با سابقه بی‌وفایی همسر*. رساله دوره دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- احمدی، ح. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، ج ۱، تهران: سمت.
- حبیبی عسگرآباد، م.، حاجی حیدری، ز. (۱۳۹۴). علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده: یک مطالعه کیفی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۱ (۴۲)، ۱۸۶-۱۶۵.
- زارعی، س. (۱۳۹۵). *تدوین ارزشیابی اثربخشی الگوی مدیریت تعارض کار-خانواده مبتنی بر تجارب کارمندان مرد برافزایش رضایت از زندگی و اشتیاق شغلی آنان*. رساله دکتری رشته مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سودانی، م.، کریمی، ج.، مهربانی زاده مقدم، م.، نیسی، ع. (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی زوج درمانی یکپارچه نگر و زوج درمانی هیجان مدار بر علائم افسردگی و استرس پس از سانحه ناشی از روابط فرا زناشویی در زوجین. *مجله روان‌شناسی بالینی*، ۵ (۱۹)، ۳۵-۴۶.
- فتحی، م.، فکرآزاد، ح.، غفاری، غ.، بوالهری، ج. (۱۳۹۱). عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی مردان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۲ (۵۰) ۱۳۵-۱۵۷.

- قرائی مقدم، ا. (۱۳۹۲). ۳۳ درصد زنان در کرج روابط جنسی خارج از ازدواج دارند [اخبار]. بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰، <http://saten.ir/17105/>
- قره‌گوزلو، ن.، مرادحاصلی، م.، عطادخت ا. (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی زوج درمانی شناختی-رفتاری حضوری و مجازی بر اختلال استرس پس از سانحه در روابط فرازناشویی. فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، ۱۷ (۶۵): ۱۸۷-۲۱۰.
- قهاری، ش. (۱۳۹۵). پیمان شکنی در زناشویی، تهران، انتشارات دانژه.
- کاوه، س. (۱۳۸۷). همسران و بی‌وفایی و خیانت، تهران: سخن.
- کریمی، ج.، سودانی، م.، مهرابی زاده مقدم، م.، نیسی، ع. (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی زوج درمانی یکپارچه نگر و زوج درمانی هیجان مدار بر علائم افسردگی و استرس پس از سانحه ناشی از روابط فرازناشویی در زوج‌ها، مجله روان‌شناسی بالینی، ۵ (۱۹)، ۳۵-۴۶.
- کوری، ج. (۲۰۰۵). نظریه و کاربرد روان‌درمانی، ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۹۱). تهران: انتشارات ارسباران.
- گلدنبرگ، ا.، گلدنبرگ، ه. (۲۰۰۰). خانواده درمانی، ترجمه حمیدرضا حسین شاهی براواتی، سیامک نقشبندی، الهام ارجمند (۱۳۹۱). تهران: انتشارات روان.
- محسن زاده، ف.، نظری، ع. م.، عارفی، م. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق: مطالعه موردی شهر کرمانشاه. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان (فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده). ۱۴ (۵۳)، ۷-۴۲.
- واعظی، ک. (۱۳۹۷). راهبردهای مقابله‌ای زنان با شرایط پس از طلاق. فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، ۱۷ (۶۸)، ۱۷۲-۱۹۱.
- Blazsin, H., Guldenmund, F. (2015). The social construction of safety: Comparing three realities. *Safety Science*; 71: 16-27.
- Case, B. (2005). Healing the wounds of infidelity through the healing power of apology and forgiveness. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 4 (2/3), 41-55.
- DePoy, E., Gitlin, L.N. (1993). *Introduction to Research: Multiple Strategies for Health and Human Services*. St. Louis, Mosby.
- Drigotas, S. & Barta. W. (2001). The cheating heart: Scientific exploration of infidelity. *Current Directions in Psychological Science*, 10, 177-180.
- Duncombe J, Harrison K, Allan G, Marsden D (2004). *The state of affairs: Explorations in infidelity and commitment* (PP. 11-111). London: Lawrence Erlbaum Associates.
- Fife, S. T., Weeks, G. R., and Gambescia, N. (2007). The Intersystems Approach to Treating Infidelity. In P. R. Peluso (Ed). *Infidelity: A practitioner's guide to working with couples in crisis*. New York, NY: Routledge.

- Fife, S.T., Weeks, G.R., & Gambescia, N. (2008). Treating infidelity: An integrative approach. *The family journal: counseling and therapy for couples and families*, 16, 316-323.
- Goldie, M. (2013). *Infidelity and Forgiveness: Therapists' Views on reconciliation and restoration of trust Following disclosure of infidelity* [Thesis]. Provo, Utah: Brigham Young University.
- Guba, E.G., Lincoln, Y.S. (1989). *Fourth generation evaluation*. Newbury Park, CA and London: Sage Publications.
- Hall, J.H. and Fincham, F.D. (2006). Relationship dissolution following infidelity: The roles of attributions and forgiveness. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 25 (5), 508-522.
- Hertlein, K.M. (2011). Therapeutic dilemmas in treating internet infidelity. *The American Journal of Family Therapy*, 39 (2), 162-173.
- Johnson, S. M. (2005). Broken bonds: An emotionally focused approach to infidelity. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 4 (2/3), 17-29.
- Johnson, S. M. (2005). Broken bonds: An emotionally focused approach to infidelity. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 4)2/3 ,(17-29.
- Johnson, S. M., Makinen, J. A., & Millikin, J. W. (2001). Attachment injuries in couple relationships: A new perspective on impasses in couples therapy. *Journal of Marital and Family Therapy*, 27 (2): 145-155.
- Johnson, S.M., Makinen, J.A., Millikin, J.W. (2001). Attachment injuries in couple relationships: A new perspective on impasses in couples therapy. *Journal of Marital and Family Therapy*; 27 (2): 145-155.
- Knight, A. (2010). *Gender differences in defining infidelity*. A thesis presented. In partial fulfillment of the requirements for the degree master of arts.
- Lammers, J., Stoker, J.I., Jordan, J., Pollmann, M., and Stapel, D A. (2011). Power Increases Infidelity Among Men and Women. *Psychological Science* XX (X) 1-7.
- Lusterman, D. D. (1998). *Infidelity: A survival guide*. Oakland, CA: New Harbinger.
- Lusterman, D. D. (1998). *Infidelity: A survival guide*. Oakland, CA: New Harbinger.
- Munsch, C.L. (2015). Her support, his support: money, masculinity, and Marital Infidelity. *American Sociological Review*; 80 (3): 469-495.
- Oakes, J., Wells, A.S., Jones, M., Datnow, A. (1997). Detracking: The social construction of ability, cultural politics, and resistance to reform. *Teachers College Record*; 98 (3): 482-10.
- Peluso, P. R, (2007). *Infidelity: A practitioner's guide to working with couples in crisis*. New York, NY: Routledge.
- Shackelford, T. K., Besser, A., Goetz, A. T. (2008). Personality, Marital Satisfaction, and Probability of Marital Infidelity. *journal of Individual Differences Research*. 6, 13-25.
- Shakelford, T. K., Buss, D. M., & Weekes-shakelford, V. A. (2003). Wife Killings Committed in the Context of a Lover's triangle. *Basic and Applied*

- Social Psychology*, 25 (1), 137-143.
- Snyder, D. K., Baucom, D. H., & Gordon, K. C. (2007a). *Getting Past the Affair: A program to help you cope, heal, and move on - together or apart*. New York, NY: Guilford.
 - Snyder, D.K., Baucom, D.H., Gordon, K.C. (2007b). Treating infidelity: An integrative approach to resolving trauma and promoting forgiveness. In: Peluso P.R, (Ed). *Infidelity: A practitioner's guide to working with couples in crisis*. New York, NY: Routledge.
 - Somers-Flanagan J, Somers-Flanagan R. (2012). *Counseling and Psychotherapy Theories in Context practice Skills, Strategies, and Technique*. Wiley.
 - Sori, C. F. (2007). An Affair to Remember: Infidelity and Its Impact on Children. In: P. R. Peluso (Ed). *Infidelity: A practitioner's guide to working with couples in crisis*. New York, NY: Routledge.
 - Spring, J. A. (2012). *After the Affair: Healing the Pain and Rebuilding Trust When a Partner Has Been Unfaithful, 2nd Edition Paperback*. New York, NY: William Morro.
 - Stefano JD, Oala M. (2012) Extramarital affairs: Basic considerations and essential tasks in clinical work. *Journal of Counseling and Therapy for Couples and Families*.16 (1): 13-19.
 - Treas, J., Giesen, D. (2000). sexual infidelity among married and cohabiting Americans. *Journal of Marriage and Family*; 62 (1): 48-60.
 - Weeks, G. R., & Treat, S. (2001). *Couples in treatment: Techniques and approaches for effective practice* (2nd ed.). Philadelphia: Brunner/Routledge.